



ادبیات فارسی در ژاپن

استاد دانشمند بزرگوار آقای دکتر ذبیح الله صفا بر گردن من و بسیاری از ایران شناسان جهان منتهی بزرگ دارند زیرا که گذشته از این که قریب سی سال پیش از محضر پر فیضشان در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران سود برده‌ام، آثار متعددشان در قلمرو ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی مرا همواره در کار تحقیق راهنما بوده است. تقدیم مقاله کوتاهی در گزارش ادبیات فارسی در ژاپن ادای دینی ست به خدمات گرانمای آن استاد بزرگوار.

کار تحقیق در ادبیات فارسی در ژاپن به نسبت کشورهای اروپایی بیش از یک قرن عقب مانده است، زیرا تاریخ روابط فرهنگی بین ایران و ژاپن چندان طولانی نیست و در نتیجه محققان ژاپنی از اهمیت و غنا و تنوع ادبیات فارسی بیخبر مانده‌اند. هرچند که آثار ادبیات پر ارزش ایران بصورت بیتی از شاهنامه فردوسی و بیتی دیگر از ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی در قرن سیزدهم میلادی به سرزمین ما راه یافت،^۱ با اینهمه نخستین گام در کار تحقیق ادبیات فارسی در ژاپن تقریباً از هفتاد سال پیش برداشته شد. پیشرو این تحقیقات پرفسور آراکی S. Araki (مرگ ۱۹۳۲) بود که در امریکا زیر نظر

• برای آگاهی از جزئیات آن نگاه کنید: ت. کورویاناگی، «اعتقاد فردوسی به سرنوشت در شاهنامه»، راهنمای کتاب، جلد ۲۰، شماره ۷-۱۰، امیکو اوکادا، «سخنی دیگر در بازشناسی بیتی از ویس و رامین در کهنترین نوشته فارسی بازمانده در ژاپن»، مجله ایران‌شناسی، سال ۱، شماره ۱ (بهار ۱۳۶۸)، ص ۷۰-۷۵.

ایران‌شناس امریکایی و یلیام جکسون با ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی آشنا شد و در سال ۱۹۲۰ رباعیات خیام را بر اساس نسخه خطی موجود در کتابخانه بادلیان آکسفورد که شامل ۱۵۸ رباعی ست به ژاپنی ترجمه کرد. بعلاوه او در سال ۱۹۲۲ کتاب «تاریخ ادبیات ایران» را تألیف و منتشر کرد. در این کتاب که در چهار فصل تنظیم شده از آثار هخامنشیان، ادبیات اوستایی، ادبیات پهلوی، و ادبیات فارسی سخن رفته است. هرچند که فصل ادبیات فارسی از صد صفحه در نمی‌گذرد، با اینهمه در آن صفحات محدود از رودکی تا جامی باختصار یاد شده است. این نخستین کتابی بود که ادبیات پر ارزش کلاسیک ایران را به ژاپنیان معرفی کرد، اما از آن جا که آراکی شاگرد مستقیم نداشت پس از درگذشتش کار تحقیق در ادبیات فارسی در ژاپن متوقف ماند.

اما دیری نگذشت که پرفسور گامو R. Gamou (مرگ ۱۹۷۷) با کوشش بسیار تحقیق در قلمرو زبان و ادبیات فارسی را آغاز کرد. او که اصلاً استاد زبان و ادبیات اردو بود بمرور زمان با ادبیات فارسی آشنا شد و پس از سالها کار و تدریس و تحقیق در این رشته نیز به مقام استادی رسید. پرفسور گامو در دیداری از ایران پیش از جنگ جهانی دوم، با استاد عیسی صدیق و استاد رضا زاده شفق آشنایی و دوستی پیدا کرد و پیوند خود را با دانشمندان ایرانی محکمتر کرد.

پرفسور گامو را می‌توان بنیانگذار حقیقی تحقیق در زبان و ادبیات فارسی در ژاپن دانست که صمیمانه همه زندگی خود را وقف ترجمه و تحقیق در ادبیات فارسی کرد. او نخستین بار در سال ۱۹۴۱ کتاب گرانقدر «تاریخ و فرهنگ ایران» را تألیف و نشر کرد و در آن مخصوصاً زندگی و آثار فردوسی و سعدی و حافظ را مورد تحقیق مبسوط قرار داد. او پس از جنگ جهانی دوم ترجمه کامل گلستان (۱۹۶۴) سعدی را منتشر کرد و در همان سال در کتاب «شاعران ایرانی» تحقیق عالمانه و دقیق خود را در باره زندگی و اوضاع و احوال اجتماعی و تاریخی عصر سعدی و حافظ ارائه داد.

در پی او مرحوم اگاوا R. Ogawa کارمند وزارت خارجه ژاپن، که مدتی بعنوان مترجم زبان فارسی در سفارت ژاپن در تهران خدمت می‌کرد، در سال ۱۹۴۹ رباعیات خیام را بر اساس کتاب ترانه‌های خیام صادق هدایت به ژاپنی ترجمه و نشر کرد. ترجمه عالی و روان اگاوا را از رباعیات خیام، پس از روایت انگلیسی فیتز جرالده، می‌توان از بهترین ترجمه‌های خیام دانست که با قبول عام ژاپنیان نیز مواجه شده و تاکنون چاپ آن بارها تجدید شده است.

پرفسور ساوا E. Sawal (مرگ ۱۹۷۸) نیز جز ترجمه چند رباعی پراکنده از خیام متن

کامل گلستان سعدی را در سال ۱۹۵۱ مستقیماً از فارسی به ژاپنی ترجمه کرد. در این جا باید از خدمات ناچیز خود به زبان و ادبیات فارسی یاد کنم که بخش مهمی از همه هستی و حیات مرا به خود اختصاص داده است. من که آموختن زبان و ادبیات فارسی را نخست در محضر استادم گامو آغاز کردم، در سال ۱۹۵۹ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران زیر نظر استاد محمد معین و استاد پرویز نائل خانلری به تحقیق در زبان و ادبیات فارسی پرداختم و پس از بازگشت به ژاپن تا کنون به کار تألیف و ترجمه ادبیات فارسی سرگرم بوده‌ام.

نخستین سهم من در معرفی ادبیات فارسی در «مجموعه آثار ادبیات عربی و فارسی» ظاهر شد که در سال ۱۹۶۴ انتشار یافت. در این کتاب پروفیسور گامو ترجمه‌ای از برگزیده گلستان و بوستان سعدی و مثنوی مولانا و غزلیات حافظ را ارائه داد و من «رستم و سهراب» از شاهنامه و گزیده‌ای از قابوس‌نامه و منتخباتی از رباعیات خیام را به ژاپنی برگرداندم و در آخر کتاب نیز تاریخچه‌ای از ادبیات فارسی را از آغاز تا جامی نوشتم و افزودم.

در سال ۱۹۶۹ ترجمه کاملی از قابوس‌نامه کیکاوس و چهارمقاله نظامی عروضی را به دست دادم و در همان سال «گزیده‌ای از شاهنامه فردوسی» را بصورت ترجمه‌ای منظوم به ژاپنی ارائه دادم. این کتاب که در ۴۵۰ صفحه منتشر شد و داستانهای زال، رستم، سهراب، سیاوش، بیژن و منیژه، و شغاد را در بر می‌گیرد، خوشبختانه با حسن قبول مردم با فرهنگ ژاپن رو برو شده و تا کنون بیش از ده بار به چاپ رسیده است.

در پی شاهنامه در سال ۱۹۷۱ ترجمه کامل هفت پیکر نظامی گنجوی را به چاپ رساندم و بدنبال آن در سال ۱۹۷۶ ترجمه دیوان کامل «غزلیات حافظ» را بر اساس نسخه محمد قزوینی و قاسم غنی ارائه دادم. این کتاب گذشته از ۴۹۵ غزل حافظ، ترجمه «آهونامه» و «ساقی‌نامه» خواجه شیراز را نیز همراه دارد. ناگفته نماند که من در کار ترجمه حافظ در برگرداندن الفاظی که گذشته از معنی حقیقی مفاهیم مجازی عارفانه را نیز تداعی می‌کند با دشواریهای بسیار رو برو بودم و از آن جا که حد معنی حقیقی و مجازی بسیاری از الفاظ چندان روشن نبود، ناگزیر شدم که از ترجمه جنبه عرفانی بعضی از کلمات درگذرم و به ترجمه معنی حقیقی آنها بسنده کنم و تعبیر و تفسیر را بر عهده خواننده بگذارم.

گذشته از ترجمه آثار پر ارزش کلاسیک فارسی من از کار تألیف و تحقیق در قلمرو ادبیات ایران غافل نبوده‌ام. در سال ۱۹۷۷ کتاب «تاریخ ادبیات فارسی» را تألیف

کردم. این کتاب که در حجمی قریب ۳۰۰ صفحه منتشر شده است به توصیف و تحلیل آثار نظم و نثر معتبر فارسی از آغاز تا زمان معاصر می‌پردازد. این کتاب در حقیقت نخستین اثر جامع و مستقلی است که درباره تاریخ ادبیات فارسی در ژاپن انتشار یافته است.

در پی این اثر در سال ۱۹۸۰ من کتاب «شاعران ایرانی» را انتشار دادم که در آن به شرح و تحلیل احوال و آثار ده شاعر بزرگ کلاسیک رودکی، فردوسی، ناصر خسرو، خیام، انوری، نظامی، مولانا، سعدی، حافظ، و جامی پرداخته شده است. در همان سال کتاب «اساطیر ایرانی» را منتشر کردم. در این کتاب که ۲۵۰ صفحه را در بر می‌گیرد، از بخش اساطیری شاهنامه فردوسی از آغاز کیومرث گرفته تا آخر پیشدادیان سخن می‌رود. در سالهای اخیر نیز ترجمه منتخباتی از آثار کلاسیک ادبیات فارسی مانند شاهنامه فردوسی، رباعیات خیام، گلستان سعدی و غزلیات حافظ را همراه متن فارسی آنها برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاههای ژاپن تهیه و منتشر کرده‌ام.

از آنجا که گذشته از ادبیات فارسی، درباره زبان فارسی و موادی که برای آموختن این زبان لازم است، در گذشته چندان کاری در ژاپن صورت نگرفته بود من درصدد برآمدم که این کمبود را رفع کنم و از این رو تاکنون کتابهای «دستور مفصل زبان فارسی» (۱۹۸۲)، «تاریخ زبان فارسی» (۱۹۸۴) و «فرهنگ فارسی به ژاپنی» (۱۹۸۸) را تألیف و منتشر کرده‌ام و کار تألیف «فرهنگ ژاپنی به فارسی» را نیز به پایان رسانده‌ام که در آینده نزدیک نشر خواهد شد. طالع‌ت فرنگی

ناگفته نماند که «فرهنگ فارسی به ژاپنی» که قریب یک هزار صفحه را در بر می‌گیرد، حاوی توضیح معنی سی و پنج هزار لغت فارسی به ژاپنی است. من برای تدوین این فرهنگ مدت ده سال کار مستمر کردم و در تألیف آن از منابع گوناگون مانند لغت‌نامه دهخدا و فرهنگهای معین، حییم، آریانپور، استینگاس و فرهنگهای آلمانی، فرانسوی، روسی، ایتالیایی و چینی بهره گرفتم. امید من آن است انتشار این فرهنگ در ژاپن گذشته از دانشجویان زبان فارسی برای محققانی که با متون قدیم و جدید فارسی سرو کار دارند سودمند باشد.

و اما از آثار محققان دیگر ژاپنی در قلمرو ادبیات فارسی باید از فیه ما فیه مولانا یاد کنم که پرفسور ایزوتسو T. Izutsu اسلام‌شناس دانشمند و نام‌آور به ترجمه آن به ژاپنی پرداخت و آن را در سال ۱۹۷۸ منتشر ساخت.

خانم اکادا E. Okada نیز در ترجمه منظومه های عاشقانه کلاسیک فارسی به ژاپنی کوشیده است. او در گذشته متن کامل خسرو و شیرین (۱۹۷۷) و لیلی و مجنون (۱۹۸۱) از نظامی گنجوی و اخیراً ویس و رامین (۱۹۹۰) از فخرالدین اسعد گرگانی را به ژاپنی برگردانده است. همچنین او در شناساندن افسانه ها و اساطیر ایرانی به جوانان ژاپنی همت کرده و کتاب «اساطیر ایرانی» (۱۹۸۲) و «داستان اسکندر» (۱۹۸۷) را بر بنیاد افسانه هایی از شاهنامه پرداخته است.

در سالهای اخیر ایران شناسان جوان ژاپنی به ترجمه و تحقیق در ادبیات معاصر فارسی توجه و علاقه نشان می دهند. در این قلمرو ناکامورا K. Nakamura تا کنون با شوق و شور بسیار کوشیده است و گذشته از ترجمه بوف کور (۱۹۸۳) صادق هدایت و برگزیده ای از داستان های کوتاه این نویسنده و محمد علی جمال زاده مقالاتی در بررسی احوال و آثارشان منتشر کرده است. یامادا M. Yamada نیز در سال ۱۹۸۱ نفرین زمین جلال آل احمد را به ژاپنی ترجمه و نشر کرد. گذشته از این، داستانهای کوتاه از صادق هدایت، صادق چوبک، بزرگ علوی، غلامحسین ساعدی و صمد بهرنگی نیز به ژاپنی برگردانده شده است.

آنچه که از ترجمه و تألیف تا کنون یاد کردم درباره متنها و کتابهایی بود که ادبیات فارسی را پدید می آورد، اما مقالاتی که محققان ژاپنی در بررسی و تحلیل این آثار نوشته اند به قدری متنوع و زیاد است که پرداختن به آنها خود نیاز به گزارشی پر دامنه دارد. بعنوان مثال من خود تا کنون قریب چهل مقاله در مباحث گوناگون زبان و ادبیات فارسی نوشته ام که شرح آن مجال دیگری خواهد بود.

در این جا باید یادآور شوم آثاری که تا کنون بر شمردم حاصل کار ژاپنیانی بود که با زبان ادبیات فارسی آشنایند و کار ترجمه و تألیف خود را بر اساس این آشنایی بنیاد کرده اند، اما ناگفته نباید گذاشت ژاپنیان دیگری نیز بوده اند که در کار خود از ترجمه های انگلیسی و فرانسوی آثار ادب فارسی برخوردار بوده اند. در این زمینه خیام و رباعیاتش مورد بیشترین توجه و علاقه بوده است.

نخستین شناسنده رباعیات خیام در ژاپن کانبارا Y. Kanbara شاعر نام آور ژاپنی است که در سال ۱۹۰۸ شش رباعی از خیام را بر اساس ترجمه فیتز جرالده به ژاپنی برگرداند و در کتاب شعر خود آورد. از این به بعد تا کنون بیش از سی ترجمه گوناگون بر بنیاد ترجمه انگلیسی فیتز جرالده از رباعیات خیام به ژاپنی منتشر شده است که بیشترین آنها از کسانی است که به زبان انگلیسی شناسایی داشته اند و ترجمه انگلیسی فیتز جرالده آنها را

به ارائه روایتی از رباعیات خیام برانگیخته است.

شاهنامه فردوسی را نیز نخستین بار B. Tsuchiya (مرگ ۱۹۹۰) شاعر و ادیب گرانقدر ژاپنی در سال ۱۹۱۶ براساس ترجمه انگلیسی اتکینسون به ژاپنی برگرداند. پس از او سوموما M. Somoma در سال ۱۹۲۴ بخشی از شاهنامه را در کتاب «سنت و تاریخ ایران» که ترجمه‌ای از کتاب «ایران و ایرانیان» بنجامین بود، ارائه داد. سومو در کتاب خود بیشترین بخش از شاهنامه را برگرفته و گنجانده بود. در سال ۱۹۴۱ هیگوچی M. Higuchi با برخورداری از روایت فرانسوی، داستان «رستم و سهراب» را بصورت نمایش کابوکی (تئاتر سنتی ژاپن) ترجمه و تنظیم کرد.

از گلستان سعدی هم گذشته از اثر ایران‌شناسانی که پیش از این از ایشان یاد کردم، دو ترجمه دیگر در دست است. یکی از کاتو C. Kato که در سال ۱۹۲۲ بر بنیاد ترجمه انگلیسی و دیگری از تاکاسه T. Takase که در سال ۱۹۴۸ بر اساس ترجمه فرانسوی منتشر شده است.

آنچه که آورده شد خلاصه‌ای بود از کارنامه ژاپنیان در قلمرو ادبیات فارسی که البته در قیاس با پژوهش در مباحثی چون باستان‌شناسی، تاریخ، و هنرهای زیبای ایرانی حاصل کمتری داشته است. با شور و علاقه روزافزون جوانان ژاپنی به مطالعه و بررسی میراث ادبی و فرهنگی ایران و افزایش کسانی که به این کار روی می‌آورند امید بسیار هست که در آینده حاصل کار بسیار بیش از این باشد.

دانشکده روابط بین‌المللی، دانشگاه ذی‌توبونکا، ژاپن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی